

روایت‌های!

آموزش احکام آبادستان طبرستان

www.Ketab.ir

سرشناسه: علوی نهاد، محمد، ۱۳۵۶-
عنوان و نام پدیدآور: دو امتحان! (۱): آموزش احکام با داستان طنز/ نویسنده‌ی داستان محمد علوی نهاد؛ نویسنده‌ی
درس نامه‌های احکام محمد معماری فر.
مشخصات نشر: تهران: دلیل ما، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۵۶ ص؛ مصور؛ عکس.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۲-۰۷۴-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: آموزش احکام با داستان طنز.
موضوع: داستان های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction -- 20th century
موضوع: داستان های فارسی -- ایران -- قرن ۱۴ -- ادبیات کودکان و نوجوانان
موضوع: Juvenile literature -- Iran -- 20th century -- Persian fiction
موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه -- ادبیات کودکان و نوجوانان
موضوع: *Juvenile literature -- Handbooks, manuals, etc. -- Islamic law, Ja'fari
ناسخ افزوده: معماری فر، محمد، ۱۳۶۶-
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۸۵۵۶۵۹ ۸۳۵۴/ PIR
رده بندی دیویی: ۳۶۲/۸۸[ج]
شماره کتابخانه ملی: ۵۱۷۰۳۹۱

عنوان کتاب: دو امتحان! (۱): آموزش احکام با داستان طنز

مدیر پروژه: محمد علوی نهاد

نویسنده‌ی داستان: محمد علوی نهاد

نویسنده‌ی درس نامه‌های احکام: محمد معماری فر

مدیر هنری: نوید اسدی

کارشناس فقهی: حجت الاسلام محمد ماسم

ارزیابی: کاظم رسولیان، محمد مهدی، کامیار

تصویرگری: سید هادی گرسویی

ویراستار: محسن عظیم‌الشان

ناشر: انتشارات دلیل ما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۲-۰۷۴-۷

مراکز پخش

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه B، واحد ۱۴۴ | تلفن: ۰۲۷۱ ۳۷۷۴۹۸۸ و ۰۲۷۱ ۳۷۷۳۷۰۱

قم، خیابان صفائیه، روبروی کوچه ۳۸، پلاک ۷۵۹ | تلفن: ۰۲۷۱ ۳۷۷۳۷۰۱ و ۰۲۷۱ ۳۷۷۴۹۸۸

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، نبش بن بست ری، پلاک ۶۱ | تلفن: ۰۲۷۱ ۳۷۷۴۹۸۸ و ۰۲۷۱ ۳۷۷۳۷۰۱

مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع گنجینه کتاب، طبقه اول | تلفن: ۰۵۱ ۳۲۲۳۷۱۱۳

مؤسسه فرهنگی

رشد پویا نجات

www.nejaat.ir



انتشارات دلیل ما

www.dalilema.ir

مرکز نشر و پخش کتب

معارف اهل بیت

تلفن و نمابر: ۰۲۷۱ ۳۷۷۴۹۸۸-۳۷۷۳۴۴۱۳ (+۹۸۲۵)

دفتر مرکزی: قم، خیابان معلم، مجتمع

ناشران، طبقه ششم، واحد ۶۱۲ و ۶۱۳

۹ سال ناشر نمونه و برگزیده‌ی کشوری با تولید بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب

فهرست

فصل نهم

پیش گفتار

مقدمه

داستان اول ● جاوید و خوبگاه

داستان دوم ● قوطی کنسرو بی رحم

داستان سوم ● عملیات پاکسازی

داستان چهارم ● رویس بهداشتی درد دراز

داستان پنجم ● وضوی جریمه

داستان ششم ● شیرجه در خاک

داستان هفتم ● پشتک وارو و نیم چرخش

[۷]

[۹]

[۱۳]

[۲۱]

(احکام تقلید)

[۴۵]

(احکام نجاسات)

[۶۹]

(احکام پاک کردن نجاسات)

[۸۹]

(آداب دست شویی رفتن)

[۹۹]

(احکام وضو)

[۱۱۷]

(احکام تیمم)

[۱۳۱]

(احکام غسل)

به راستی چرا باید به احکام شرعی پای بند باشیم؟!

۱. اگر انشمنده‌ی را به فهم و حکمت بشناسید، حتماً جملات او را هم حاکی از همین شش‌پای دانید و اگر هم از برخی از سخنان او سر در نیاورید، با خود نمی‌گویید که او حرف بی‌بهره می‌زند! بلکه سعی می‌کنید آن را متوجه شوید و اگر هم باز متوجه نشدید با جای رد کردن اشکال به حرف وی، می‌گویید من متوجه نشدم. با این که امکان چهار خط را هم در او رد نمی‌کنید.

این روش انسان عاقل در برخورد با فرمان‌ها و جملات فرد حکیم است. برای انسان نیز سزاوار است که به حکم عقل فرمان خدای متعال را - که در آن جهل و خطا راهی ندارد، چه متوجه شود و چه نه - اطاعت کند. امام رضا (ع) می‌فرمایند:

وَاعْلَمُوا أَنَّ رَأْسَ طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، التَّسْلِيمُ لِمَا عَقَلَهُ وَمَا لَمْ نَعْقِلْهُ فَإِنَّ رَأْسَ الْمَعَاصِي، الِرَّدُّ عَلَيْهِمْ. (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۸)

بدانید سرآمد بندگی و اطاعت خدا، تسلیم در مقابل چیزیایی است که در حیطه‌ی عقل ما باشد یا آنچه عقلمان به آن راه نداده‌ایم. سرآمد گناهان رد کردن آن‌هاست.

۲. اگر کسی را به مهربانی و خیرخواهی بشناسید و او شما را به موضوعی امر کند، با وجود این که در او احتمال جهل و خطا وجود دارد، اما فرمان او را نادیده نمی‌گیرید؛ حتی اگر علت آن فرمان را هم متوجه نشوید.

فردی که به خدا ایمان دارد، خیرخواهی و مهرورزی الهی را یافته و از سر علاقه، به فرمان او گردن می‌نهد؛ گرچه که از چرایی بعضی از آن‌ها آگاه نباشد.

خداوند برای زندگی بندگان، برنامه و وظایفی را تعیین نموده تا در سایه‌ی عمل به آن‌ها، به سعادت برسند و چون ما بنده‌ی خداییم و او مالک ما، موظفیم به دستورالعمل الهی عمل کنیم.

عمل دقیق به این حکام و اوامر الهی مثل این است که شما مکانی را بلد نباشید و فردی بخواهد آدرس آن محل را به شما بیاموزد. در چنین حالتی شما به پیچیدگی آدرس و چرایی چپ و راست رفتن اعتراض نمی‌کنید. مسیر بندگی خدای بزرگ هم – که به بهشت ختم می‌شود – از جهتی مثل همان شانی است. کسی که راه رسیدن به آن مقصدِ عالی را بلد نیست، به حکم عقل نباید در آن چپ و چرا کند؛ در غیر این صورت قدم در بیراهه گذاشته و به مقصد نمی‌رسد.

ما راه بندگی خدا را به خودی خود بلد نیستیم و تنها به راهنمایان این مسیر، یعنی معصومان (علیهم‌السلام) که از هر خطایی جدا هستند اعتماد کنیم.

یکی از نمونه‌های عدم تعبد و تسلیم که عاقبت شومی داشت، ماجرای ابلیس است. او آن قدر خداوند را عبادت کرده بود که در جمع ملائکه قرار گرفته بود؛ شش روز را با خداوند را با نمازهای طولانی عبادت کرده بود؛ اما جالب این است که همه‌ی ایمان خود را در یک آزمون از دست داد و از درگاه خداوند رانده شد.

وقتی خداوند متعال حضرت آدم (علیه‌السلام) را آفرید، به همه‌ی فرشتگان و کارگزارانش، از جمله ابلیس، دستور داد که به حضرت آدم (علیه‌السلام) سجده نمایند. همه‌ی آن‌ها به جز ابلیس

سجده کردند. ابلیس در مقابل خداوند بی‌حیایی کرد، تکبر ورزید و از روی حسادت به حضرت آدم علیه السلام سجده نکرد.

خداوند متعال به او فرمود: «آن‌گاه که تو را امر به سجده کردم، چه چیز تو را از این کار بازداشت؟»

گفت: «من از آدم بهترم؛ زیرا مرا از آتش خلق کرده‌ای و او را از گِل و خاک.» پس ابلیس گفت: «پروردگار من، مرا از سجده بر آدم معاف کن و در عوض من تو را عبادتی خواهم کرد که هیچ فرشته‌ی مقرب و کسیر فساد شده‌ای، تو را آن‌گونه عبادت نکرده باشد.» ولی خداوند متعال در پاسخ او فرمود:

إِنَّمَا أَرِيدُ أَنْ أَعْبُدَ مِنْ حَيْثُ أَرِيدُ (بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۴)

من می‌خواهم که عبادت شوم تنها به گه‌ای که خود می‌خواهم: نه آن‌طور که تو می‌خواهی.

ابلیس هم زیر بار سجده نرفت! پس خدای متعال فرمود:

«قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص ۷)

فرمود از بهشت بیرون برو! تو رانده شده هستی و لعنت من تا روز قیامت بر تو باد.

او نمی‌خواست تسلیم فرمان خدا شود و در مقابل خلیفه‌ی خدا، حضرت آدم علیه السلام، تکبر ورزید و برای بندگی خدا مسیر دیگری را غیر از آن‌چه خداوند مقرر کرده بود پیشنهاد کرد. در حالی که روح و حقیقت بندگی خدا این است که دقیقاً عین دستور او اطاعت شود.

پس بندگی و تعبد به این معناست که ما به عنوان بنده‌ی خدا، تابع محض معبود خود هستیم و به دنبال دلیل و علت هر یک از احکام نیستیم تا در صورت یافتن دلیل، به آن عمل کنیم. اگرچه حجت‌های الهی برای برخی از احکام، دلایلی بیان فرموده‌اند، ولی باید توجه داشت که علت عمل کردن ما به احکام الهی، صرفاً این دلایل نیست؛ بلکه عمل به دستورات خالق و مالک حکیم است که همواره خیر و صلاح بنده‌ی مؤمنش را می‌خواهد. در پایان این حجت به جهت آنکه است که افراد عاقل در بسیاری از موارد زندگی‌شان بدون دانستن دلیل، دستور متخ‌نصر را انجام می‌دهند؛ مثل عمل به نسخه‌ی پزشک. آیا وقتی در عمل کردن به نسخه‌ی پزشک، در اعتمادمان، آن را حکیمانه و به صلاح خود می‌دانیم و علت تجویز وی را نمی‌پرسیم، عمل به دستورات خداوند حکیم، نباید این‌گونه باشیم؟